

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

طسم ﴿۱﴾

فولادوند: طا سین میم

مکارم: طسم

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾

فولادوند: این است آیه‌های کتاب روشنگر

مکارم: این آیات کتاب مبین است.

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿۳﴾

فولادوند: شاید تو از اینکه [مشرکان] ایمان نمی‌آورند جان خود را تباه سازی

مکارم: گوئی می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی بخاطر اینکه آنها ایمان نمی‌آورند.

إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ﴿۴﴾

فولادوند: اگر بخواهیم معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم تا در برابر آن گردنهایشان خاضع گردد

مکارم: اگر ما اراده کنیم از آسمان بر آنها آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد!

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ﴿۵﴾

فولادوند: و هیچ تذکر جدیدی از سوی [خدای] رحمان برایشان نیامد جز اینکه همواره از آن روی برمی‌تافتند

مکارم: و هر ذکر تازه‌ای از سوی خداوند رحمان برای آنها بیاید از آن اعراض می‌کنند.

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿۶﴾

فولادوند: [آنان] در حقیقت به تکذیب پرداختند و به زودی خبر آنچه که بدان ریشخند می‌کردند بدیشان خواهد رسید

مکارم: آنها تکذیب کردند، اما به زودی اخبار آنچه را به استهزاء می‌گرفتند به آنان می‌رسد (و از مجازاتش با خبر خواهند شد).

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿۷﴾

فولادوند: مگر در زمین ننگریسته‌اند که چه قدر در آن از هر گونه جفتهای زیبا رویانیده‌ایم

مکارم: آیا آنها به زمین نگاه نکردند، چه اندازه در آن از انواع گیاهان آفریدیم.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۸﴾

فولادوند: قطعا در این [هنرنمایی] عبرتی است و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نیستند

مکارم: در این نشانه روشنی است (بر وجود خدا) ولی اکثر آنها هرگز نبوده‌اند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٩﴾

فولادوند: و در حقیقت پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است

مکارم: پروردگار تو عزیز و رحیم است.

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠﴾

فولادوند: و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا درداد که به سوی قوم ستمکار برو

مکارم: به خاطر بیاور هنگامی که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ آن قوم ستمگر برو.

قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ ﴿١١﴾

فولادوند: قوم فرعون آیا پروا ندارند

مکارم: قوم فرعون، آیا آنها (از مخالفت فرمان پروردگار) پرهیز نمی‌کنند؟!

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿١٢﴾

فولادوند: گفت پروردگارا می‌ترسم مرا تکذیب کنند

مکارم: (موسی) عرض کرد پروردگارا من از آن بیم دارم که مرا تکذیب کنند.

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَيَّ هَارُونَ ﴿١٣﴾

فولادوند: و سینه‌ام تنگ می‌گردد و زبانم باز نمی‌شود پس به سوی هارون بفرست

مکارم: و سینه‌ام تنگ می‌شود، و زبانم به قدر کافی گویا نیست (به برادرم) هارون نیز رسالت ده (تا مرا یاری کند).

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿١٤﴾

فولادوند: و [از طرفی] آنان بر [گردن] من خونی دارند و می‌ترسم مرا بکشند

مکارم: و آنها (به اعتقاد خودشان) بر من گناهی دارند می‌ترسم مرا به قتل برسانند (و این رسالت به پایان نرسد).

قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ ﴿١٥﴾

فولادوند: فرمود نه چنین نیست نشانه‌های ما را [برای آنان] بب رید که ما با شما شنونده‌ایم

مکارم: فرمود چنین نیست (آنها کاری نمی‌توانند انجام دهند) شما هر دو با آیات ما (برای هدایت آنان) بروید ما با شما هستیم و

(سخنانتان را) می‌شنویم.

فَاتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾

فولادوند: پس به سوی فرعون بروید و بگوئید ما پیامبر پروردگار جهانیانیم
مکارم: به سراغ فرعون بروید و بگوئید ما فرستاده پروردگار جهانیان هستیم.

أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٧﴾

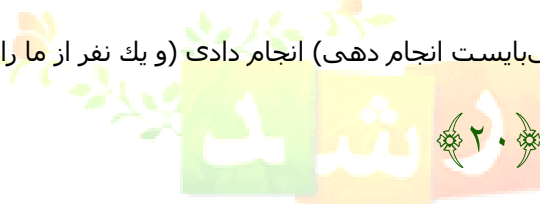
فولادوند: فرزندان اسرائیل را با ما بفرست
مکارم: بنی اسرائیل را با ما بفرست.

قَالَ أَلَمْ تُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ ﴿١٨﴾

فولادوند: [فرعون] گفت آیا تو را از کودکی در میان خود نپروردیم و سالیانی چند از عمرت را پیش ما نماندی
مکارم: (فرعون) گفت: آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم؟ و سالهائی از عمرت را در میان ما نبودى؟

وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾

فولادوند: و [سرانجام] کار خود را کردی و تو از ناسپاسانی
مکارم: و (سرانجام) آن کارت را (که نمی‌بایست انجام دهی) انجام دادی (و يك نفر از ما را کشتی) و تو از کافران بودی!



قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٢٠﴾

فولادوند: گفت آن را هنگامی مرتکب شدم که از گمراهان بودم
مکارم: (موسی) گفت: من آن کار را انجام دادم در حالی که از بیخبران بودم.

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢١﴾

فولادوند: و چون از شما ترسیدم از شما گریختم تا پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد
مکارم: و به دنبال آن هنگامی که از شما ترسیدم فرار کردم و پروردگار من به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد.

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٢٢﴾

فولادوند: و [آیا] اینکه فرزندان اسرائیل را بنده [خود] ساخته‌ای نعمتی است که منتش را بر من می‌نهی
مکارم: آیا این منتی است که تو بر من می‌گذاری که بنی اسرائیل را برده خود ساخته‌ای؟!

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٣﴾

فولادوند: فرعون گفت و پروردگار جهانیان چیست
مکارم: فرعون گفت پروردگار عالمیان چیست؟!

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ﴿٢٤﴾

فولادوند: گفت پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است اگر اهل یقین باشید
مکارم: (موسی) گفت پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است، اگر اهل یقین هستید.

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿٢٥﴾

فولادوند: [فرعون] به کسانی که پیرامونش بودند گفت آیا نمی‌شنوید
مکارم: (فرعون) به اطرافیانش گفت، آیا نمی‌شنوید این مرد چه می‌گوید؟

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٦﴾

فولادوند: [موسی دوباره] گفت پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شما
مکارم: (موسی) گفت پروردگار شما و پروردگار نیاکان شما.

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴿٢٧﴾

فولادوند: [فرعون] گفت واقعا این پیامبری که به سوی شما فرستاده شده سخت دیوانه است
مکارم: (فرعون) گفت پیامبری که به سوی شما فرستاده شده دیوانه است.

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾

فولادوند: [موسی] گفت پروردگار خاور و باختر و آنچه میان آن دو است اگر تعقل کنید
مکارم: (موسی) گفت او پروردگار مشرق و مغرب و آنچه در میان این دو است می‌باشد اگر شما عقل و اندیشه خود را به کار می‌گرفتید.

قَالَ لئنِ اتَّخَذَتِ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ ﴿٢٩﴾

فولادوند: [فرعون] گفت اگر خدایی غیر از من اختیار کنی قطعا تو را از [جمله] زندانیان خواهم ساخت
مکارم: فرعون خشمگین شد و گفت: اگر معبودی غیر از من برگزینی تو را از زندانیان قرار خواهم داد.

قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾

فولادوند: گفت گر چه برای تو چیزی آشکار بیاورم

مکارم: (موسی) گفت: حتی اگر نشانه آشکاری برای رسالتم برای تو بیاورم؟

قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣١﴾

فولادوند: گفت اگر راست می‌گویی آن را بیاور

مکارم: گفت: اگر راست می‌گوئی آنرا بیاور!

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿٣٢﴾

فولادوند: پس عصای خود بیفکند و بناگاه آن اژدری نمایان شد

مکارم: در این هنگام موسی عصای خود را افکند و مار عظیم و آشکاری شد.

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيضَاءٌ لِلنَّاطِرِينَ ﴿٣٣﴾

فولادوند: و دستش را بیرون کشید و بناگاه آن برای تماشاگران سپید می‌نمود

مکارم: و دست خود را در گریبان فرو برد و بیرون آورد در برابر بینندگان سفید و روشن بود.

قَالَ لِلْمَلَآئِكَةِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾

فولادوند: [فرعون] به سرانی که پیرامونش بودند گفت واقعا این ساحری بسیار داناست

مکارم: (فرعون) به گروهی که اطراف او بودند گفت: این ساحر آگاه و ماهری است!

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٥﴾

فولادوند: می‌خواهد با سحر خود شما را از سرزمینتان بیرون کند اکنون چه رای می‌دهید

مکارم: او می‌خواهد شما را از سرزمینتان با سحرش بیرون کند شما چه نظر می‌دهید؟

قَالُوا أَرْجَاهُ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٣٦﴾

فولادوند: گفتند او و برادرش را در بند دار و گردآورندگان را به شهرها بفرست

مکارم: گفتند: او و برادرش را مهلت ده و به تمام شهرها ماموران برای بسیج اعزام کن.

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ ﴿٣٧﴾

فولادوند: تا هر ساحر ماهری را نزد تو بیاورند

مکارم: تا هر ساحر ماهری را نزد تو آورند.

فَجَمَعَ السَّحَرَةَ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٣٨﴾

فولادوند: پس ساحران برای موعد روزی معلوم گردآوری شدند

مکارم: سرانجام ساحران برای وعده گاه روز معینی جمع آوری شدند.

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُّجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾

فولادوند: و به توده مردم گفته شد آیا شما هم جمع خواهید شد

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

مکارم: و به مردم گفته شد آیا شما نیز (در این صحنه) اجتماع می‌کنید.

لَعَلَّنَا تَتَّبِعُ السَّحْرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْعَالِيْنَ ﴿٤٠﴾

فولادوند: بدین امید که اگر ساحران غالب شدند از آنان پیروی کنیم

مکارم: تا اگر ساحران پیروز شوند ما از آنان پیروی کنیم.

فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةَ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَنَأْجُرُّكَ إِن كُنَّا نَحْنُ الْعَالِيْنَ ﴿٤١﴾

فولادوند: و چون ساحران پیش فرعون آمدند گفتند آیا اگر ما غالب آییم واقعا برای ما مزدی خواهد بود

مکارم: هنگامی که ساحران آمدند، به فرعون گفتند: آیا اگر پیروز شویم پاداش مهمی خواهیم داشت ؟

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُتَقَرِّبِينَ ﴿٤٢﴾

فولادوند: گفت آری و در آن صورت شما حتما از [زمره] مقربان خواهید شد

مکارم: گفت آری، و شما در این صورت از مقربان خواهید بود!

قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُّقْنُونَ ﴿٤٣﴾

فولادوند: موسی به آنان گفت آنچه را شما می‌اندازید بیندازید

مکارم: (روز موعود فرا رسید و همگی جمع شدند، موسی رو به ساحران کرد و) گفت: آنچه را می‌خواهید بیفکنید، بیفکنید!

فَأَلْقُوا جِبَالَهُمْ وَعَصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْعَالِيُونَ ﴿٤٤﴾

فولادوند: پس ریسمانها و چوبدستی‌هایشان را انداختند و گفتند به عزت فرعون که ما حتما پیروزیم

مکارم: آنها طنابها و عصاهای خود را افکندند و گفتند به عزت فرعون، قطعاً پیروزیم!

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿٤٥﴾

فولادوند: پس موسی عصایش را انداخت و بناگاه هر چه را به دروغ بر ساخته بودند بلعید

مکارم: سپس موسی عصایش را افکند، ناگهان تمام وسایل دروغین آنها را بلعید!

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ ﴿٤٦﴾

فولادوند: در نتیجه ساحران به حالت سجده در افتادند

مکارم: ساحران همگی فوراً به سجده افتادند.

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾

فولادوند: گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

مکارم: گفتند ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم.

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ﴿٤٨﴾

فولادوند: پروردگار موسی و هارون

مکارم: پروردگار موسی و هارون.

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٩﴾

فولادوند: گفت [آیا] پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید قطعاً او همان بزرگ شماست که به شما سحر آموخته

است به زودی خواهید دانست حتما دستها و پاهای شما را از چپ و راست خواهم برید و همه‌تان را به دار خواهم آویخت

مکارم: (فرعون) گفت: آیا به او ایمان آوردید پیش از آن که به شما اجازه دهم؟! مسلماً او بزرگ و استاد شما است که به شما

سحر آموخته، اما به زودی خواهید دانست که دستها و پاهای شما را به طور مختلف قطع می‌کنم، و همه شما را به دار می‌آویزم.

قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿٥٠﴾

فولادوند: گفتند باکی نیست ما روی به سوی پروردگار خود می‌آوریم

مکارم: گفتند: مهم نیست (هر کار از دست ساخته است بکن) ما به سوی پروردگاران باز می‌گردیم.

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥١﴾

فولادوند: ما امیدواریم که پروردگاران گناهانمان را بر ما ببخشد [چرا] که نخستین ایمان‌آوردگان بودیم

مکارم: ما امیدواریم پروردگاران خطاهای ما را به بخشد، که ما نخستین ایمان‌آوردگان بودیم.

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِيٰ إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ ﴿٥٢﴾

فولادوند: و به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه حرکت ده زیرا شما مورد تعقیب قرار خواهید گرفت

مکارم: ما به موسی وحی فرستادیم که بندگان مرا شبانه از مصر کوچ ده، و آنها شما را تعقیب خواهند کرد.

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٥٣﴾

فولادوند: پس فرعون ماموران جمع‌آوری [خود را] به شهرها فرستاد

مکارم: فرعون (از این ماجرا آگاه شد و) ماموران به شهرها فرستاد تا نیرو جمع کند.

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ﴿٥٤﴾

فولادوند: [و گفت] اینها عده‌ای ناچیزند

مکارم: (و گفت) اینها گروهی اندکند.

وَإِنَّهُمْ لَنَا لِعَائِظُونَ ﴿٥٥﴾

فولادوند: و راستی آنها ما را بر سر خشم آورده‌اند

مکارم: و اینها ما را به خشم آورده‌اند.

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ ﴿٥٦﴾

فولادوند: [ولی] ما همگی به حال آماده‌باش درآمده‌ایم

مکارم: و ما همگی آماده بیکاریم.

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِّنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾

فولادوند: سرانجام ما آنان را از باغستانها و چشمه‌سارها

مکارم: ولی ما آنها (فرعونیان) را از باغها و چشمه‌ها بیرون کردیم.

وَكَنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٥٨﴾

فولادوند: و گنجینه‌ها و جایگاه‌های پر ناز و نعمت بیرون کردیم

مکارم: از گنجها و قصرهای مجلل!

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾

فولادوند: [اراده ما] چنین بود و آن [نعمتها] را به فرزندان اسرائیل میراث دادیم

مکارم: آری، این چنین کردیم و بنی اسرائیل را وارث آنها ساختیم.

فَاتَّبَعُوهُمْ مُّشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾

فولادوند: پس هنگام برآمدن آفتاب آنها را تعقیب کردند

مکارم: آنها (فرعونیان) به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند و به هنگام طلوع آفتاب به آنها رسیدند.

فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ ﴿٦١﴾

فولادوند: چون دو گروه همدیگر را دیدند یاران موسی گفتند ما قطعاً گرفتار خواهیم شد

مکارم: هنگامی که هر دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: ما در جنگال فرعونیان گرفتار شدیم.

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾

فولادوند: گفت چنین نیست زیرا پروردگارم با من است و به زودی مرا راهنمایی خواهد کرد

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

مکارم: (موسی) گفت: چنین نیست، پروردگار من با من است، به زودی مرا هدایت خواهد کرد.

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾

فولادوند: پس به موسی وحی کردیم با عصای خود بر این دریا بزن تا از هم شکافت و هر پاره‌ای همچون کوهی سترگ بود

مکارم: و به دنبال آن به موسی وحی کردیم عصایت را به دریا زن، دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود!

وَأَرْزَلْنَا ثُمَّ الْآخِرِينَ ﴿٦٤﴾

فولادوند: و دیگران را بدانجا نزدیک گردانیدیم

مکارم: و در آنجا دیگران را نیز به دریا نزدیک ساختیم.

وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾

فولادوند: و موسی و همه کسانی را که همراه او بودند نجات دادیم

مکارم: موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم.

ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْآخِرِينَ ﴿٦٦﴾

فولادوند: آنگاه دیگران را غرق کردیم

مکارم: سپس دیگران را غرق کردیم.

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾

فولادوند: مسلماً در این [واقعه] عبرتی بود [ولی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند

مکارم: در این جریان نشانه روشنی است (برای آنها که حق طلبند) ولی اکثر آنها ایمان نیاوردند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾

فولادوند: و قطعاً پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است

مکارم: و پروردگار تو عزیز و رحیم است.

وَآتَلَ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾

فولادوند: و بر آنان گزارش ابراهیم را بخوان

مکارم: و بر آنها خبر ابراهیم را بخوان.

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٧٠﴾

فولادوند: آنگاه که به پدر خود و قومش گفت چه می‌پرستید

مکارم: هنگامی که به پدرش و قومش گفت: چه چیز را پرستش می‌کنید؟

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظِلُّ لَهَا عَاكِفِينَ ﴿٧١﴾

فولادوند: گفتند بتانی را می‌پرستیم و همواره ملازم آنهایم

مکارم: گفتند: بت‌های را می‌پرستیم و همه روز ملازم عبادت آنانیم.

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾

فولادوند: گفت آیا وقتی دعا می‌کنید از شما می‌شنوند

مکارم: گفت: آیا هنگامی که آنانرا می‌خوانید صدای شما را می‌شنوند؟

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾

فولادوند: یا به شما سود یا زیان می‌رسانند

مکارم: یا سودی به شما می‌رسانند، یا زبانی؟!

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾

فولادوند: گفتند نه بلکه پدران خود را یافتیم که چنین می‌کردند

مکارم: گفتند: فقط ما نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کنند.

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾

فولادوند: گفت آیا در آنچه می‌پرستیده‌اید تامل کرده‌اید

مکارم: گفت: آیا دیدید چیزی را که شما عبادت می‌کردید؟

أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾

فولادوند: شما و پدران پیشین شما

مکارم: شما و پدران پیشین شما.

فَاتَّهَمُ عَدُوِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٧﴾

فولادوند: قطعاً همه آنها جز پروردگار جهانیان دشمن منند

مکارم: همه آنها دشمن منند مگر پروردگار عالمیان!

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾

فولادوند: آن کس که مرا آفریده و همو راهنماییم می‌کند

مکارم: آن کسی که مرا آفرید و هدایت می‌کند.

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾

فولادوند: و آن کس که او به من خوراک می‌دهد و سیرابم می‌گرداند

مکارم: و کسی که مرا غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید.

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾

فولادوند: و چون بیمار شوم او مرا درمان می‌بخشد

مکارم: و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می‌دهد.

وَالَّذِي يُمَيِّتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾

فولادوند: و آن کس که مرا می‌میراند و سپس زنده‌ام می‌گرداند

مکارم: و کسی که مرا می‌میراند و سپس زنده می‌کند.

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿٨٢﴾

فولادوند: و آن کس که امید دارم روز پاداش گناهم را بر من ببخشد

مکارم: و کسی که امید دارم گناهانم را در روز جزا به بخشد.

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿٨٣﴾

فولادوند: پروردگارا به من دانش عطا کن و مرا به صالحان ملحق فرمای

مکارم: پروردگارا! به من علم و دانش مرحمت فرما، و مرا به صالحان ملحق کن.

وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿٨٤﴾

فولادوند: و برای من در [میان] آیندگان آوازه نیکو گذار

مکارم: و برای من در میان امتهای آینده زبان صدق (و ذکر خیر) قرار ده.

وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿٨٥﴾

فولادوند: و مرا از وارثان بهشت پر نعمت گردان

مکارم: و مرا از وارثان بهشت پر نعمت گردان.

وَاعْفِرْ لَأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٨٦﴾

فولادوند: و بر پدرم ببخشای که او از گمراهان بود

مکارم: و پدرم (عمویم) را بیامرز که او از گمراهان بود.

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُعْتَبُونَ ﴿٨٧﴾

فولادوند: و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند رسوایم مکن

مکارم: و مرا در روزی که مردم مبعوث می‌شوند، شرمنده و رسوا مکن.

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾

فولادوند: روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌دهد

مکارم: در آن روزیکه مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد.

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾

فولادوند: مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد

مکارم: مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید.

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٩٠﴾

فولادوند: و [آن روز] بهشت برای پرهیزگاران نزدیک می‌گردد

مکارم: (در آنروز) بهشت برای پرهیزگاران نزدیک می‌شود.

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ﴿٩١﴾

فولادوند: و جهنم برای گمراهان نمودار می‌شود

مکارم: و دوزخ برای گمراهان آشکار می‌گردد.

وَقِيلَ لَهُمْ آيِنَ مَا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٩٢﴾

فولادوند: و به آنان گفته می‌شود آنچه جز خدا می‌پرستیدید کجایند

مکارم: و به آنها گفته می‌شود کجا هستید معبودانی که آنها را پرستش می‌کردید؟

مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٩٣﴾

فولادوند: آیا یاریتان می‌کنند یا خود را یاری می‌دهند

مکارم: معبودهائی غیر از خدا، آیا آنها شما را یاری می‌کنند؟ یا کسی بیاری آنها می‌آید؟

فَكُبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ﴿٩٤﴾

فولادوند: پس آنها و همه گمراهان در آن [آتش] افکنده می‌شوند

مکارم: در این هنگام همه آن معبودان با عابدان (گمراه) به دوزخ افکنده می‌شوند.

وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ﴿٩٥﴾

فولادوند: و [نیز] همه سپاهیان ابلیس

مکارم: و همچنین لشکریان ابلیس عموماً.

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾

فولادوند: آنها در آنجا با یکدیگر ستیزه می‌کنند [و] می‌گویند

مکارم: آنها در آنجا به مخاصمه بر می‌خیزند و می‌گویند:

تَاللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٩٧﴾

فولادوند: سوگند به خدا که ما در گمراهی آشکاری بودیم

مکارم: به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکار بودیم.

إِذْ نُسَوِّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٩٨﴾

فولادوند: آنگاه که شما را با پروردگار جهانیان برابر می‌کردیم

مکارم: چون شما را با پروردگار عالمیان برابر می‌شمردیم.

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ﴿٩٩﴾

فولادوند: و جز تباهاکاران ما را گمراه نکردند

مکارم: اما کسی جز مجرمان ما را گمراه نکرد.

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ﴿١٠٠﴾

فولادوند: در نتیجه شفاعتگرانی نداریم

مکارم: (افسوس که امروز) شفاعت کننده گانی برای ما وجود ندارد.

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴿١٠١﴾

فولادوند: و نه دوستی نزدیک

مکارم: و نه دوست گرم و پر محبتی.

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٢﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: و ای کاش که بازگشتی برای ما بود و از مؤمنان می‌شدیم

مکارم: اگر بار دیگر (به دنیا) بازگردیم از مؤمنان خواهیم بود.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

فولادوند: حقا در این [سرگذشت درس] عبرتی است و [لی] بیشترشان مؤمن نبودند

مکارم: در این ماجرا آیت (و عبرتی) است ولی اکثر آنها مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾

فولادوند: و در حقیقت پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است

مکارم: و پروردگار تو عزیز و رحیم است.

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٠٥﴾

فولادوند: قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند

مکارم: قوم نوح رسولان را تکذیب کردند.

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٠٦﴾

فولادوند: چون برادرشان نوح به آنان گفت آیا پروا ندارید

مکارم: هنگامی که برادرشان نوح به آنها گفت، آیا تقوی پیشه نمی‌کنید؟

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٠٧﴾

فولادوند: من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتمادم

مکارم: من برای شما رسول امینی هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٠٨﴾

فولادوند: از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید

مکارم: تقوای الهی پیشه کنید، و مرا اطاعت نمائید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٩﴾

فولادوند: و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست

مکارم: من هیچ مزدی در برابر این دعوت از شما نمی‌خواهم اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١١٠﴾

فولادوند: پس از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید

مکارم: بنابراین تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمائید.

قَالُوا أَنْتُمْ مِنْ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ ﴿١١١﴾

فولادوند: گفتند آیا به تو ایمان بیاوریم و حال آنکه فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند

مکارم: گفتند آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که افراد پست و بیارزش از تو پیروی کرده‌اند؟!

قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٢﴾

فولادوند: [نوح] گفت به [جزئیات] آنچه می‌کرده‌اند چه آگاهی دارم

مکارم: (نوح) گفت، من چه می‌دانم آنها چه کاری داشته‌اند.

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ ﴿١١٣﴾

فولادوند: حسابشان اگر درمی‌یابید جز با پروردگارم نیست

مکارم: حساب آنها تنها بر پروردگار من است، اگر شما می‌فهمیدید؟

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٤﴾

فولادوند: و من طردکننده مؤمنان نیستم

مکارم: و من هرگز مؤمنان را طرد نخواهم کرد.

إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١١٥﴾

فولادوند: من جز هشداردهنده‌ای آشکار [بیش] نیستم

مکارم: من تنها انداز کننده آشکاری هستم.

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿١١٦﴾

فولادوند: گفتند ای نوح اگر دست برداری قطعا از [جمله] سنگسارشدگان خواهی بود

مکارم: گفتند: ای نوح اگر خودداری نکنی، سنگباران خواهی شد.

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٧﴾

فولادوند: گفت پروردگارا قوم من مرا تکذیب کردند

مکارم: گفت: پروردگارا: قوم من، مرا تکذیب کردند.

فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾

فولادوند: میان من و آنان فیصله ده و من و هر کس از مؤمنان را که با من است نجات بخش

مکارم: اکنون میان من و اینها جدائی بیفکن (و داوری کن).

فَأَجْبِنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿١١٩﴾

فولادوند: پس او و هر که را در آن کشتی آکنده با او بود رهانیدیم

مکارم: ما، او و کسانی را که با او بودند در کشتی که مملو (از انسان و انواع حیوانات) بود رهائی بخشیدیم.

ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ ﴿١٢٠﴾

فولادوند: آنگاه باقی ماندگان را غرق کردیم

مکارم: سپس بقیه را غرق کردیم.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٢١﴾

فولادوند: قطعاً در این [ماجرا درس] عبرتی بود [ولی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند

مکارم: در این ماجرا نشانه روشنی است، اما اکثر آنها ایمان نیاوردند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾

فولادوند: و در حقیقت پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است

مکارم: و پروردگار تو عزیز و رحیم است.

كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾

فولادوند: عادیان پیامبران [خدا] را تکذیب کردند

مکارم: قوم عاد رسولان (خدا) را تکذیب کردند.

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾

فولادوند: آنگاه که برادرشان هود به آنان گفت آیا پروا ندارید

مکارم: هنگامی که برادرشان هود گفت: آیا تقوی پیشه نمی‌کنید؟

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٢٥﴾

فولادوند: من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتمادم

مکارم: من برای شما فرستاده امینی هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٢٦﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید

مکارم: تقوی الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمائید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢٧﴾

فولادوند: و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست

مکارم: من هیچ اجر و پاداشی در برابر این دعوت از شما نمی‌طلبم، اجر و پاداش من تنها بر پروردگار عالمیان است.

أَتَّبِعُونَ بِكُلِّ رِيْعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿١٢٨﴾

فولادوند: آیا بر هر تپه‌ای بنایی می‌سازید که [در آن] دست به بیهوده‌کاری زنید

مکارم: آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه‌ای از روی هوی و هوس می‌سازید.

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿١٢٩﴾

فولادوند: و کاخهای استوار می‌گیرید به امید آنکه جاودانه بمانید

مکارم: و قصرها و قلعه‌های زیبا و محکم بنا می‌کنید، آنچنانکه گوئی در دنیا جاودانه خواهید ماند.

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿١٣٠﴾

فولادوند: و چون حمله‌ور می‌شوید [چون] زورگویان حمله‌ور می‌شوید

مکارم: و هنگامی که کسی را مجازات می‌کنید همچون جباران کیفر می‌دهید.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٣١﴾

فولادوند: پس از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید

مکارم: تقوی الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمائید.

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿١٣٢﴾

فولادوند: و از آن کس که شما را به آنچه می‌دانید مدد کرد پروا دارید

مکارم: از خدائی به پرهیزید که شما را به نعمتهائی که می‌دانید امداد کرده.

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ﴿١٣٣﴾

فولادوند: شما را به [دادن] دامها و پسران مدد کرد

مکارم: شما را به چهارپایان و نیز پسران (لایق و برومند) امداد فرموده.

وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٣٤﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: و به [دادن] باغها و چشمه‌ساران

مکارم: همچنین به باغها و چشمه‌ها

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣٥﴾

فولادوند: من از عذاب روزی هولناک بر شما می‌ترسم

مکارم: (اگر کفران کنید) من بر شما از عذاب روز بزرگ می‌ترسم.

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ ﴿١٣٦﴾

فولادوند: گفتند خواه اندرز دهی و خواه از اندرزدهندگان نباشی برای ما یکسان است

مکارم: آنها (قوم عاد) گفتند: برای ما تفاوت نمی‌کند چه ما را اندرز بدهی یا ندهی (بیهوده خود را خسته مکن)!

إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣٧﴾

فولادوند: این جز شیوه پیشینیان نیست

مکارم: این همان روش و اخلاق پیشینیان است.

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿١٣٨﴾

فولادوند: و ما عذاب نخواهیم شد

مکارم: و ما هرگز مجازات نخواهیم شد.

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾

فولادوند: پس تکذیبش کردند و هلاکشان کردیم قطعا در این [ماجرا درس] عبرتی بود و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند

مکارم: آنها هود را تکذیب کردند، ما هم نابودشان کردیم و در این آیت و نشانه‌ای است (برای آگاهان) ولی اکثر آنها مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٤٠﴾

فولادوند: و در حقیقت پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است

مکارم: و پروردگار تو عزیز و رحیم است.

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾

فولادوند: ثمودیان پیامبران [خدا] را تکذیب کردند

مکارم: قوم ثمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند.

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: آنگاه که برادرشان صالح به آنان گفت آیا پروا ندارید

مکارم: هنگامی که صالح به آنها گفت: آیا تقوی پیشه نمی‌کنید؟

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾

فولادوند: من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتمادم

مکارم: من برای شما فرستاده امینی هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٤٤﴾

فولادوند: از خدا پروا کنید و فرمانم ببرد

مکارم: تقوی الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمائید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٤٥﴾

فولادوند: و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست

مکارم: من اجر و پاداشی در برابر این دعوت از شما نمی‌طلبم اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است.

أَتَتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ ﴿١٤٦﴾

فولادوند: آیا شما را در آنچه اینجا دارید آسوده رها می‌کنند

مکارم: آیا شما تصور می‌کنید همیشه در نهایت امنیت، در نعمتهائی که اینجاست می‌مانید؟

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٤٧﴾

فولادوند: در باغها و در کنار چشمه‌ساران

مکارم: در این باغها و چشمه‌ها!

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ﴿١٤٨﴾

فولادوند: و کشتزارها و خرمابنانی که شکوفه‌هایشان لطیف است

مکارم: در این زراعتها و نخلهائی که میوه‌هایش شیرین و رسیده است.

وَتَنْجُوتُونَ مِنَ الْجِبَالِ يَبُوتًا فَارِهِينَ ﴿١٤٩﴾

فولادوند: و هنرمندانه برای خود از کوهها خانه‌هایی می‌تراشید

مکارم: شما از کوهها خانه‌هایی می‌تراشید و در آن به عیش و نوش می‌پردازید.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٥٠﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید

مکارم: از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٥١﴾

فولادوند: و فرمان افراطگران را پیروی مکنید

مکارم: و اطاعت فرمان مسرفان نکنید.

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿١٥٢﴾

فولادوند: آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند

مکارم: همانها که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند.

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٥٣﴾

فولادوند: گفتند قطعا تو از افسون‌شدگانی

مکارم: گفتند (ای صالح) تو عقل خود را از دست داده‌ای.

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بَآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٥٤﴾

فولادوند: تو جز بشری مانند ما [بیش] نیستی اگر راست می‌گویی معجزه‌ای بیاور

مکارم: تو فقط بشری همچون ما هستی اگر راست می‌گویی آیت و نشانه‌ای بیاور.

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿١٥٥﴾

فولادوند: گفت این ماده‌شتری است که نوبتی از آب او راست و روزی معین نوبت آب شماست

مکارم: گفت این ناقه‌ای است که برای او سهمی (از آب قریه) است و برای شما سهم روز معینی.

وَلَا تَمْسُوها بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥٦﴾

فولادوند: و به آن گزند مرسانید که عذاب روزی هولناک شما را فرو می‌گیرد

مکارم: کمترین آزاری به آن نرسانید که عذاب روز عظیم شما را فرو خواهد گرفت.

فَعَقَرُوها فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ ﴿١٥٧﴾

فولادوند: پس آن را پی کردند و پشیمان گشتند

مکارم: سرانجام بر آن (ناقه) حمله نموده او را از پای درآوردند، سپس از کرده خود پشیمان شدند.

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٥٨﴾

فولادوند: آنگاه آنان را عذاب فرو گرفت قطعا در این [ماجرا] عبرتی است و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند

مکارم: عذاب الهی آنها را فرو گرفت، در این آیت و نشانه‌ای است ولی اکثر آنها مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾

فولادوند: و در حقیقت پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است

مکارم: پروردگار تو عزیز و رحیم است.

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٦٠﴾

فولادوند: قوم لوط فرستادگان را تکذیب کردند

مکارم: قوم لوط فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند.

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٦١﴾

فولادوند: آنگاه برادرشان لوط به آنان گفت آیا پروا ندارید

مکارم: هنگامی که برادرشان لوط به آنها گفت آیا تقوی پیشه نمی‌کنید؟

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٦٢﴾

فولادوند: من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتمادم

مکارم: من برای شما رسول امینی هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٦٣﴾

فولادوند: از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید

مکارم: تقوی الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمائید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٤﴾

فولادوند: و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست

مکارم: من از شما اجری نمی‌خواهم اجر من فقط بر پروردگار عالمیان است.

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٥﴾

فولادوند: آیا از میان مردم جهان با مردها در می‌آمیزید

مکارم: آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می‌روید؟ (این زشت و ننگین نیست؟).

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿١٦٦﴾

فولادوند: و آنچه را پروردگارتان از همسرانتان برای شما آفریده وامی‌گذارید [نه] بلکه شما مردمی تجاوزکارید

مکارم: و همسرانی را که خدا برای شما آفریده است رها می‌کنید؟ شما قوم تجاوزگری هستید.

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ﴿١٦٧﴾

فولادوند: گفتند ای لوط اگر دست برنداری قطعا از اخراج‌شدگان خواهی بود

مکارم: گفتند: ای لوط اگر از این سخنان خودداری نکنی از اخراج شونده‌گان خواهی بود.

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ﴿١٦٨﴾

فولادوند: گفت به راستی من دشمن کردار شمایم

مکارم: گفت: من (به هر حال) دشمن اعمال شما هستم.

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٩﴾

فولادوند: پروردگارا مرا و کسان مرا از آنچه انجام می‌دهند رهایی بخش

مکارم: پروردگارا! من و خاندانم را از آنچه اینها انجام می‌دهند رهایی بخش.

فَنَجِّنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٧٠﴾

فولادوند: پس او و کسانش را همگی رهانیدیم

مکارم: ما او و خاندانش را همگی نجات دادیم.

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْعَابِرِينَ ﴿١٧١﴾

فولادوند: جز پیرزنی که از باقی‌ماندگان [در خاکستر آتش] بود

مکارم: جز پیر زنی که در میان آن گروه باقی ماند.

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخِرِينَ ﴿١٧٢﴾

فولادوند: سپس دیگران را سخت هلاک کردیم

مکارم: سپس دیگران را هلاک کردیم.

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذِرِينَ ﴿١٧٣﴾

فولادوند: و بر [سر] آنان بارانی [از آتش گوگرد] فرو ریختیم و چه بد بود باران بیم‌داده‌شدگان

مکارم: و بارانی (از سنگ) بر آنها فرو فرستادیم، چه باران بدی بود این باران انذار شدگان.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٤﴾

فولادوند: قطعا در این [عقوبت] عبرتی است و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند
مکارم: در این (ماجرای قوم لوط و سرنوشت شوم آنها) آیتی است، اما اکثر آنها ایمان نیاوردند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٧٥﴾

فولادوند: و در حقیقت پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است.
مکارم: و پروردگار تو عزیز و رحیم است.

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧٦﴾

فولادوند: اصحاب ایکه فرستادگان را تکذیب کردند
مکارم: اصحاب ایکه (شهری نزدیک مدین) رسولان (خدا) را تکذیب کردند.

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾

فولادوند: آنگاه که شعیب به آنان گفت آیا پروا ندارید
مکارم: هنگامی که شعیب به آنها گفت، آیا تقوی پیشه نمی‌کنید؟

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٧٨﴾

فولادوند: من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتمادم
مکارم: من برای شما رسول امینی هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٧٩﴾

فولادوند: از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید
مکارم: تقوی الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمائید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٠﴾

فولادوند: و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست
مکارم: من در برابر این دعوت پاداشی از شما نمی‌طلبم، اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است.

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾

فولادوند: پیمان‌ها را تمام دهید و از کم‌فروشان مباشید
مکارم: حق پیمان‌ها را ادا کنید (و کم‌فروشی نکنید) و مردم را به خسارت نیفکنید.

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿١٨٢﴾

فولادوند: و با ترازوی درست بسنجید

مکارم: با ترازوی صحیح وزن کنید.

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿١٨٣﴾

فولادوند: و از ارزش اموال مردم مکاهید و در زمین سر به فساد بر مدارید

مکارم: و حق مردم را کم نگذارید و در زمین فساد ننمائید.

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبَلَةَ الْأُولِينَ ﴿١٨٤﴾

فولادوند: و از آن کس که شما و خلق [انبوه] گذشته را آفریده است پروا کنید

مکارم: از کسی که شما و اقوام پیشین را آفرید بهره‌یزید.

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٨٥﴾

فولادوند: گفتند تو واقعا از افسون‌شدگانی

مکارم: گفتند تو فقط دیوانه‌ای!

وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿١٨٦﴾

فولادوند: و تو جز بشری مانند ما [بیش] نیستی و قطعاً تو را از دروغگویان می‌دانیم

مکارم: (بعلاوه) تو تنها بشری مثل ما هستی، تنها گمانی که درباره تو داریم اینست که دروغگو می‌باشی!

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٨٧﴾

فولادوند: پس اگر از راستگویانی پاره‌ای از آسمان بر [سر] ما بیفکن

مکارم: اگر راست می‌گویی، سنگهائی از آسمان بر سر ما فرو ریز!

قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨٨﴾

فولادوند: [شعیب] گفت پروردگارم به آنچه می‌کنید داناتر است

مکارم: (شعیب) گفت: پروردگار من به اعمالی که شما انجام می‌دهید آگاه‌تر است.

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾

فولادوند: پس او را تکذیب کردند و عذاب روز ابر [آتشبار] آنان را فرو گرفت به راستی آن عذاب روزی هولناک بود

مکارم: سرانجام او را تکذیب کردند و عذاب روز ابر سایه افکن آنها را فرو گرفت، که این عذاب روز بزرگی بود.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾

فولادوند: قطعا در این [عقوبت درس] عبرتی است و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند

مکارم: در این ماجرا آیت و نشانه‌ای است ولی اکثر آنها ایمان نیاوردند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾

فولادوند: و در حقیقت پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است

مکارم: و پروردگار تو عزیز و رحیم است.

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾

فولادوند: و راستی که این [قرآن] وحی پروردگار جهانیان است

مکارم: و این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است.

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾

فولادوند: روح الامین آن را بر دلت نازل کرد

مکارم: روح الامین آنرا نازل کرده است ...

عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾

فولادوند: تا از [جمله] هشداردهندگان باشی

مکارم: بر قلب (پاک) تو، تا (مردم را) انذار کنی.

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿١٩٥﴾

فولادوند: به زبان عربی روشن

مکارم: آنرا به زبان عربی آشکار نازل کرد

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾

فولادوند: و [وصف] آن در کتابهای پیشینیان آمده است

مکارم: و توصیف آن در کتب پیشینیان نیز آمده است.

أَوْلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٩٧﴾

فولادوند: آیا برای آنان این خود دلیلی روشن نیست که علمای بنی اسرائیل از آن اطلاع دارند

مکارم: آیا همین نشانه برای آنها کافی نیست، که علمای بنی اسرائیل به خوبی از آن آگاهند.

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿١٩٨﴾

فولادوند: و اگر آن را بر برخی از غیر عرب زبانان نازل می‌کردیم
مکارم: هر گاه ما آن را بر بعضی از عجم (غیر عرب) نازل می‌کردیم.

﴿۱۹۹﴾ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۹۹﴾

فولادوند: و پیامبر آن را برایشان می‌خواند به آن ایمان نمی‌آوردند
مکارم: و او آنرا برایشان می‌خواند به آن ایمان نمی‌آوردند.

﴿۲۰۰﴾ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿۲۰۰﴾

فولادوند: این گونه در دلهای گناهکاران [انکار را] راه می‌دهیم
مکارم: (آری) این گونه قرآن را در دلهای مجرمان وارد می‌کنیم.

﴿۲۰۱﴾ لَّا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿۲۰۱﴾

فولادوند: که به آن نگرند تا عذاب پردرد را ببینند
مکارم: آنها به آن ایمان نمی‌آورند تا عذاب دردناک را با چشم خود به بینند.

﴿۲۰۲﴾ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۲۰۲﴾

فولادوند: که به طور ناگهانی در حالی که بی‌خبرند بدیشان برسد
مکارم: ناگهان (عذاب الهی) به سراغ آنها می‌آید، در حالی که توجه ندارند.

﴿۲۰۳﴾ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ ﴿۲۰۳﴾

فولادوند: و بگویند آیا مهلت خواهیم یافت
مکارم: و در این هنگام می‌گویند: آیا به ما مهلتی داده خواهد شد؟

﴿۲۰۴﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿۲۰۴﴾

فولادوند: پس آیا عذاب ما را به شتاب می‌خواهند
مکارم: آیا برای عذاب ما عجله می‌کنند؟

﴿۲۰۵﴾ أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿۲۰۵﴾

فولادوند: مگر نمی‌دانی که اگر سالها آنان را برخوردار کنیم
مکارم: اگر ما سالیان دیگری آنها را از این زندگی بهره مند سازیم ...

﴿۲۰۶﴾ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿۲۰۶﴾

فولادوند: و آنگاه آنچه که [بدان] بیم داده می‌شوند بدیشان برسد

مکارم: سپس عذابی که به آنها وعده داده شده به سراغشان بیاید.

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ ﴿٢٠٧﴾

فولادوند: آنچه از آن برخوردار می‌شدند به کارشان نمی‌آید [و عذاب را از آنان دفع نمی‌کند]

مکارم: این تمتع و بهره‌گیری از دنیا برای آنها سودی نخواهد داشت.

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ﴿٢٠٨﴾

فولادوند: و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر آنکه برای آن هشداردهندگانی بود

مکارم: ما هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه انداز کنندگانی برای آنها بود.

ذِكْرِي وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٠٩﴾

فولادوند: [تا آنان را] تذکر [دهند] و ما ستمکار نبوده‌ایم

مکارم: تا متذکر شوند، و ما هرگز ستمگر نبودیم.

وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ﴿٢١٠﴾

فولادوند: و شیطانها آن را فرود نیاورده‌اند

مکارم: شیاطین و جنیان این آیات را نازل نکردند.

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٢١١﴾

فولادوند: و آنان را نسزد و نمی‌توانند [وحی کنند]

مکارم: و برای آنها سزاوار نیست، و قدرت ندارند.

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ﴿٢١٢﴾

فولادوند: در حقیقت آنها از شنیدن معزول [و محروم]‌اند

مکارم: آنها از استراق سمع (و شنیدن اخبار آسمانها) برکنارند.

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونُ مِنَ الْمُعَذِّبِينَ ﴿٢١٣﴾

فولادوند: پس با خدا خدای دیگر مخوان که از عذاب‌شدگان خواهی شد

مکارم: هیچ معبودی را با خداوند مخوان که از معذبین خواهی بود.

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: و خویشان نزدیكت را هشدار ده

مكارم: خویشاوندان نزدیكت را انداز كن.

وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١٥﴾

فولادوند: و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند بال خود را فرو گستر

مكارم: و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر.

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بِرِيءٍ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢١٦﴾

فولادوند: و اگر تو را نافرمانی کردند بگو من از آنچه می‌کنید بیزارم

مكارم: اگر آنان نافرمانی تو کنند، بگو: من از کار شما بیزارم.

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٢١٧﴾

فولادوند: و بر [خدای] عزیز مهربان توکل کن

مكارم: و بر خداوند عزیز و رحیم توکل نما.

الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٢١٨﴾

فولادوند: آن کس که چون [به نماز] برمی‌خیزی تو را می‌بیند

مكارم: همان کسی که تو را به هنگامی که (برای عبادت) بر می‌خیزی می‌بیند.

وَتَقَلِّبُكَ فِي السَّاجِدِينَ ﴿٢١٩﴾

فولادوند: و حرکت تو را در میان سجده‌کنندگان [می‌نگرد]

مكارم: و حرکت تو را در میان سجده‌کنندگان مشاهده می‌کند.

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾

فولادوند: او همان شنوای داناست

مكارم: او است خدای شنوا و دانا

هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ﴿٢٢١﴾

فولادوند: آیا شما را خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می‌آیند

مكارم: آیا به شما خبر بدهم، شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند؟

تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٢٢٢﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: بر هر دروغزن گناهکاری فرود می‌آیند

مکارم: بر هر دروغگوی گنهکار نازل می‌گردند.

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿٢٢٣﴾

فولادوند: که [دزدانه] گوش فرا می‌دارند و بیشترشان دروغگویند

مکارم: آنها آنچه را می‌شنوند (به دیگران) القا می‌کنند و اکثرشان دروغگو هستند.

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٢٢٤﴾

فولادوند: و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند

مکارم: (پیامبر شاعر نیست) شعرا کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند!

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾

فولادوند: آیا ندیده‌ای که آنان در هر وادی سرگردانند

مکارم: آیا نمی‌بینی آنها در هر وادی سرگردانند.

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾

فولادوند: و آنانند که چیزهایی می‌گویند که انجام نمی‌دهند

مکارم: و سخنانی می‌گویند که عمل نمی‌کنند!

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا

أَيُّ مَنقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾

فولادوند: مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آنکه مورد ستم قرار گرفته‌اند

یاری خواسته‌اند و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه برخوانند گشت

مکارم: مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند و یاد خدا بسیار می‌کنند و به هنگامی که مورد ستم واقع

می‌شوند به دفاع از خویشتن (و مؤمنان) بر می‌خیزند (و از ذوق شعری خود کمک می‌گیرند) و بزودی آنها که ستم کردند می‌دانند

که بازگشتشان به کجاست.